

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۵ می ۲۰۱۸

سال ۲۰۱۸ سالگرد دویست سالگی تولد کارل مارکس

## تجلیل از خدمات مارکس به جامعه بشری

" فیلسوفان تا این زمان فقط به تفسیر جهان به طریقه‌های گوناگون پرداخته و اکنون باید در صدد تغییر جهان بر

آمد"

کارل مارکس - تزهائی در مورد فویرباخ

از کارل مارکس تقریباً همه تجلیل می‌کنند، زیرا وی یک دانشمند بزرگ بشریت است و بیش از هر متفکر دیگری تاریخ قرن ۱۹ و ۲۰ را رقم زده است. ولی هر کس از کارل مارکس تمجید کرد الزاماً با اندیشه‌های مارکس موافق نیست. امروز حتی دشمنان سوگند خورده مارکسیسم نیز برای مبارزه با نظریات مارکس به رنگ مارکسیسم در می‌آیند تا مارکسیسم را از درون تهی کنند و دژ را از درون فتح نمایند. سیلی از مزدوران به راه افتاده‌اند تا در باره "نادرستی-ها" و پیشگوئی‌های "ناموفق" مارکس داد سخن دهند. این مزدوران روشنفکر را جلو می‌اندازند و کرسی خطابه به آنها می‌دهند، و آنها را آرایش می‌کنند، تا آنان را به پشت صفحات تلویزیون و میدانهای تبلیغاتی بکشانند که این "اندیشمندان" از نظر "علمی" مرگ مارکسیسم را اعلام کنند و بذریعۀ بی‌پاشند. این واکنش ستمگران نسبت به نظریات رهائی‌بخش مارکسیسم خود گویای نفوذ و قدرت معنوی نظریات مارکسیستی در جنبش کارگری است.

دشمنان مارکسیسم به انقلاب اجتماعی و مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارند. آنها مفاهیم اجتماعی نظیر دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و... از مفهوم طبقاتی آن جدا ساخته و از آنها واژه‌های بی‌بو و خاصیتی برای بورژوازی می‌سازند. افسانه "آزادی‌های بی‌قید و شرط" از این مقولات است. دشمنان مارکسیسم به دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهرآمیز پرولتری اعتقادی ندارند و تلاش دارند از مارکسیسم موجودی بی‌اثر و بی‌خطر بسازند. آنها از شبی که اروپا را فرا گرفته است واهمه دارند و همه ابزار؛ از زندان؛ شکنجه و اعدام گرفته تا شست و شوی مغزی را برای نابودی مارکسیسم به کف می‌گیرند. دشمنان مارکسیسم که مارکسیستهای "نوین" شده‌اند ضد تکامل مارکسیسم به لنینیسم هستند. آنها در اینجا به پویائی مارکسیسم و استنتاجات مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارند و به شدت با لنینیسم که مظهر مجسم مارکسیسم در شرایط وجود امپریالیسم است به مقابله برمی‌خیزند. جریانهای اسرائیلی نظیر حزب کمونیست کارگری و همه پیروان منصور حکمت به تحول سرمایه‌داری به امپریالیسم اعتقادی نداشته و آموزش مارکسیسم را

واژگونه ارائه داده و آن را تا همان پیدایش و پیشرفت سرمایه‌داری محدود دانسته و برای انحراف جنبش و دشمنی با کمونیسم نسخه‌های اکنومیستی و نئولیبرالی می‌نویسند. همه این عوامل کمونیستها را فرا می‌خوانند تا به ضد "مارکسیست‌های" ضد کمونیست بسیج شوند و در ۲۰۰ سالگی تولد مارکس این دشمنان کمونیست را افشاء نمایند. ما ساهاست که در این راه گام گذارده‌ایم.

**کارل مارکس** در روز ۵ ماه مه ۱۸۱۸ در شهر **تری‌یر Trier** استان راین لندفالنز المان به دنیا آمد و در ۱۴ مارچ ۱۸۸۳ در اثر سکته مغزی، زمانی که در حال نوشتن جلد سوم کتاب "سرمایه" بود چشم از جهان فروبست و جسدش در گورستان "های‌گیت" لندن به خاک سپرده شد.

او که یکی از فیلسوفان به نام عصر خود بود، توانست با آثار جاودانه‌ای که از خود به جای گذاشت تحولات عظیم و عمیقی در زمینه‌های فلسفی، سیاسی، علوم اجتماعی و اقتصاد به وجود آورده، صدها میلیون انسان را از جهل و خرافات بیرون آورد و دنیای نوی را برای آنها ترسیم کند.

با پیدایش نظریه‌های اولیه سوسیالیستی در انگلستان و پس از آن فرانسه که بر اثر صنعتی شدن این کشورها به وجود آمده بودند و مارکس آنها را "سوسیالیسم تخیلی" می‌نامید، مرحله جدیدی پدید آمد که در محور اصلی آن تفکر فلسفه المانی قرار داشت. با تحول از "سوسیالیسم تخیلی" به "سوسیالیسم علمی" کارل مارکس توانست نام و مهر خود را بر تمام پیکره سوسیالیسمی بزند که جهان را بعدها به طور جدی متحول کرد. مارکس با تحلیل درست از سوسیالیسم تخیلی کسانی مانند فوریه و اون و امثالهم و مبارزه با آن به سوسیالیسم علمی رسید. و به این ترتیب همراه با نگارش بیانیه حزب کمونیست که در آن از مبارزه طبقاتی انسانها به عنوان عامل تعیین کننده در تاریخ بشری سخن می‌راند، تاریخ از صورت بیان رویدادهای اتفاقی و بازتاب خلق و خوی سیاستمداران و رهبران به صورت علم در آمد و سیر تحول آن در مسیر پیشرفت؛ قابل پیشگویی شد. برای نخستین بار تاریخ علم شد.

در اگست سال ۱۸۴۴ کارل مارکس با فریدریش انگلس المانی در پاریس آشنا گردید، که این دیدار مارکس و انگلس یکی از مهمترین اتفاقاتی است که تأثیرات آن در حوزه فکر و اندیشه در اواسط قرن نوزدهم؛ انقلابی ایجاد کرد. انگلس با انتقال آگاهی‌های خود به مارکس هم‌رزم آینده‌اش؛ از شرایط زندگی اسفبار طبقه کارگر انگلستان (انگلس در کارخانه پارچه بافی پدرش در منچستر انگلستان از سال ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۴ مشغول به کار بود) که در عرصه عمل تجربه و لمس کرده بود، پیش زمینه‌هایی برای پژوهش‌های گسترده وی و تفکرات قدرتمند ذهنی او ایجاد کرد. مارکس که یک نابغه بود و از آنجائی که در رشته حقوق فلسفه و تاریخ از دانشگاه برلین فارغ التحصیل شده و در رشته فلسفه از دانشگاه "ینا" به درجه دکترا نائل شده بود، توانست به سرعت در همین رشته تحقیقات خود را ادامه دهد و فلسفه المان را دچار تحول و دگرگونی سازد. مارکس و انگلس کار مشترک خود را تحت کتابی به نام "خانواده مقدس" آغاز کرده و مبارزه با عقاید فلسفی المان را شروع کردند، که سهم بسزائی در تکامل تئوری‌های آینده‌شان داشت. آنان معایب و نواقص این فلسفه را برطرف و آن را تکامل بخشیدند.

### تحول فلسفه المان:

فلاسفه و صاحبان عقل و اندیشه المان که تحت تأثیر فیلسوفانی نظیر هگل ایده‌آلیست و لودویگ فویرباخ ماتریالیست قرار داشتند، سال‌ها به خاطر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم، نتوانسته بودند مانند فلاسفه فرانسه و انگلستان به دست‌آوردهای نوی دست یابند. اما پس از آن که مارکس و انگلس تحقیقات و کار خود را آغاز کردند، توانستند آنچنان تحولی در آن به وجود آورند که بعدها، دنیا را نیز دچار تحولی عظیم کرد. مارکس و انگلس توانستند با

کار مداوم نظریه‌های ایده‌آلیستی را مورد انتقاد قرار داده و فلسفه المان را که برپایه مفاهیمی عام مانند "اراده مطلق"، "روح جهانی"، "اراده کمال مطلوب"، "عقل مقدس" و نظریه‌های مشابه دیگر قرار داشت از طریق تجزیه و تحلیل، مبارزه و باطل نشان دادن نظریات هگلی‌ها که فلسفه‌ای آسمانی بود و اعتقادشان بر این قرار داشت که تاریخ و پیشرفت بشر بر روی زمین، تحت هدایت نیروئی خارج از ذهن ما و به دست او یعنی خداوند(روح مطلق) می‌باشد، به زیر کشیده و آن را زمینی و عقلانی کنند. آنان توانستند فلسفه المان را از آسمان و از درون ابرهای سیاه، به روی زمین آورند، و فلسفه مارکسیسم را به عنوان یک علم به جهانیان بشناسانند و از این طریق میلیون‌ها نفر از جمعیت جهان را با افکاری جدید؛ روشن و علمی مسلح سازند.

فلسفه مارکسیسم به انسان‌ها می‌آموزد که به مسائل اطراف خود بدون تعصب و همه جانبه بنگرند، هیچ گاه شعور خود را یک سویه و به یک جهت خاص محدود نسازند، تا بتوان حقیقت را نمایان‌تر به دست آورد. مارکسیسم پویاست و در حرکت و همین پویایی است که آنرا زنده نگه داشته است.

[بر گرفته از توفان شماره ۲۱۹ خرداد ماه | جوزا | ۱۳۹۷ - جون سال ۲۰۱۸](#)

[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)